

# همیشه‌ری

**گروه ضمائم همشهری ناشر نشریات:**  
دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایداری، اقتصاد،  
تندرستی، خردنامه، داستان، دانستیها،  
سرزمین من، ماه، معماری، ۲۴، شهر نگار،  
سرخ و محله

## واحد فنی:

مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی  
طراح گرافیک و صفحه آرایی: حمید یزدانی، سعید غفوری و امید روشنگر  
ویرایش عکس: کامبیز نویدی، صفحه خوانی: امیر هوشنگ توکلی، ملیحه نعمت خواه، سوره نوع پرست  
صندوق پستی: ۱۹۳۹۵۵۴۴۶  
تلفن: ۲۳۰۲۳۶۲۳  
نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷  
نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، نرسیده به پارکوی، کوچه شهید قریشی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری

## ضمیمه هفتگی روزنامه همشهری

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری

مدیر مسئول: محسن مهدیان  
سر دبیر: دانیال معمار  
معاون ضمائم: پروانه بهرام نژاد  
دبیر ویژه نامه: محمد جعفری

باتشکر از: جواد عزیزی، الهه فراهانی و فتنه احدی

# همیشه‌ری

## فرار از اسارتگاه

معمای جنایی



افتاد.

آن اطراف کاملا

ساکت بود و گاهی صدای عبور

خودرویی شنیده می شد. این موضوع نشان می داد که احتمالا آدمربایان نیما را در آنجا زندانی کرده و رفته اند. از طرفی آنجا در نزدیکی یک جاده قرار داشت که اگر او خودش را به آنجا می رساند، می توانست فرار کند. نیما یک بار دیگر خوب اتاق را نگاه کرد.

تنها روزنه همان یک پنجره بود که دست کم ۳ متر از زمین ارتفاع داشت اما هیچ حفاظی جلوی آن نبود؛ یعنی اگر او می توانست به پنجره برسد خروج از آنجا برایش کاری نداشت ولی او حتی دستش هم به پنجره نمی رسید. در گوشه ای از اتاق یک خاک انداز پلاستیکی افتاده بود. کف اتاق هم خاکی بود. نیما وقتی خوب فکر و همه چیز را بررسی کرد به این نتیجه رسید که زنده می ماند و می تواند فرار کند. او چند ساعت بعد خودش را به خانه رساند و روز بعد مأموران موفق شدند آدمربایان را دستگیر کنند.

به نظر شما نیما چطور توانست با امکاناتی که در اختیارش بود از آنجا فرار کند؟ به ۳ نفر از خوانندگان که پاسخ صحیح معما را ارسال کنند ۳ کارت هدیه ۵۰۰ تومانی اهدا می شود.

پاسخ هایتان را از طریق پیامک به شماره ۳۰۰۰۹۹۹۰۱ ارسال کنید. به ۳ نفر از افرادی که پاسخ درست را ارسال کرده باشند به قید قرعه کارت هدیه ۵۰۰ هزار تومانی اهدا می شود.

## پاسخ معمای شماره ۱۷

در معمای شماره قبل، نامزد دختر جوان از بالای ساختمان به سوی او شلیک کرده و جانش را گرفته و به دلیل کروک بودن خودروی دختر جوان آثار گلوله در خودروی او کشف نشده و هیچ شیشه ای هم نشکسته بود.

**برنده گان معمای جنایی شماره ۱۷**

۰۹۱۲\*\*\*۲۱۴۳  
۰۹۱۹\*\*\*۸۳۹۱  
۰۹۱۳\*\*\*۹۰۵۸

برنده کارت هدیه ۵۰۰ هزار تومانی شدند.

# نگار

## فیلم

که متوجه می شود آنچه نگار می بیند و رفتارهایی که انجام می دهد در واقع آن چیزی که در زمان حال وجود دارد نیست. در ابتدا گمان می کنیم نگار دچار فضایی مالیخولیایی شده و شاید اتفاقات را آنطور که دوست دارد تجربه می کند؛ اما واقعیت چیز دیگری است. این موضوع در برخورد با بهتاش، شریک پدرش و نیز هنگام بازپس گیری مدارک از عمویش به ذهن نزدیکان پدرش و در واقع شیفته نگار است و همچنین نحوه برخوردها، اصل داستان مشخص می شود و متوجه می شویم نگار به جای پدرش قرار گرفته و اتفاقاتی را که پیش از مرگ برای او رخ داده تجربه می کند تا در نهایت معمای مرگ پدرش برای او روشن می شود.



فیلم نگار، ساخته رامبد جوان در سی و پنجمین دوره جشنواره فیلم فجر نامزد کسب ۹ سیمرغ بلورین شد و توانست موفق به کسب سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن نیز بشود. «ما به این ته سیگار رژ لبی مشکوکیم، ولی این کمکی به ما نمی کنه!» این خلاصه فیلم است اما در متن آن چه می گذرد؟ این فیلم به ماجرای جنایی پرداخته است؛ جایی که نگار جوهریان نقش دختری به نام نگار را بازی می کند. او دختر خانواده ای نیمه مرغه و اصیل است؛ پدر او در یک معامله اقتصادی شکست خورده و با اسلحه خود کشتی کرده است. این تحلیلی است که پلیس نسبت به مرگ او اعلام می کند اما نگار این تحلیل را باور ندارد و فرضیه های دیگری در ذهنش شکل گرفته و برای رسیدن به اصل ماجرا تصمیم می گیرد که روزهای آخر زندگی پدرش را مرور کند.

داستان از آنجایی برای مخاطب جذابیت بیشتری پیدا می کند

# دیزی دارکر

## کتاب پلیسی



**علی الله سلیمی، روزنامه نگار:** کتاب «دیزی دارکر» نوشته آلیس فینی با ترجمه سونیا سینگ، اثری جنایی و معمایی است که از سوی انتشارات نشر کتاب مجازی منتشر شده است. داستان این کتاب جنایی و رمزآلود درباره اعضای خانواده دیزی است که دور هم جمع شده اند اما خبر ندارند قاتلی هم در میان شان است؛ قاتلی که به سرعت مشغول گرفتن جان قربانیان است. موضوع کتاب دیزی دارکر هم قتل است و هم رازهای خانوادگی. مادر بزرگی که می داند در آستانه مردن است، همه را دور هم جمع می کند تا وصیت نامه اش را بخواند؛ اما در پس این مهمانی، چیز دیگری نهفته است؛ او می خواهد به اعضای خانواده اش، در سری فراموش نشدنی بدهد! کتاب دیزی دارکر داستانی در ژانر مدتی، دلهره آور و تریلر است. ژانر تریلر شباهت و نزدیکی بسیاری با ژانر ترسناک دارد. در تمام مدتی که مشغول خواندن کتاب یا حتی تماشای فیلمی در این سبک هستید، می توانید هیجان را تجربه کنید. نویسنده با طرح سؤال های بسیار و ایجاد فضایی مرموز و تاریک، مخاطب را در فضایی میان آسمان و زمین نگه می دارد و احساساتی مانند انتظار، غافلگیری و اضطراب را به خواننده منتقل می کند. کتاب دیزی دارکر، یک رمان بزرگسال است؛ البته برای کتاب های خوب نمی توان یک گروه سنی مشخص کرد. اگر نوجوان هستید ولی به رمان های جنایی علاقه دارید و از حل کردن معماها و باز کردن گره ها لذت می برید، این کتاب همان چیزی است که باید بخوانید. دیزی دارکر (راوی داستان)، نوه محبوب مادر بزرگش است که مشکل قلبی دارد؛ مشکلی که باعث شده بارها جانش را تقریباً از دست بدهد و با احیا به زندگی بازگردد. به همین دلیل هم زندگی او در دوران کودکی، مانند دیگران نبوده، به مدرسه نرفته و در دنیای کتاب های غرق شد و البته تابستان ها را همراه با مادر بزرگش، گذرانده است. او داستان را با توصیف وضعیت خودش آغاز می کند: من با قلب شکسته به دنیا آمده ام. از شخصیت های مهم داستان، بیاتر پس دارکر، همان مادر بزرگی که در داستان به قتل می رسد، نویسنده و تصویرگر کتاب های کودکان است.

